

# هنر

## هنرهای اسلامی :

در متون تاریخی، آنجا که سخن از " هنر و احیانا هنر اسلامی " بمیان آمده است بیشترین نظر به نقاشی، موسیقی، کاشی کاری معماری، خطاطی، مجسمه سازی، و بالاخره به نویسندگی بوده، و این بخشهای هنری، از مظاهر هنر و تمدن اسلامی شمرده شده است، چنانکه " ژوزف ماک کاپ " در کتاب " عظمت مسلمین در اسپانیا "، جرجی زیدان در کتاب " تاریخ تمدن اسلام " و سیزده تن از استادان و مستشرقین دانشگاههای انگلستان در کتاب " میراث اسلام " چنین عناوینی را از مقوله های هنرهای اسلامی شمرده اند، که هویت و ماهیت و شعاع کار برد هر یک از این هنرها، در مباحث آتی، در حد توان و لزوم، مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهد گرفت. اما اکنون پس از این پیش درآمد، سخن را از معنی و مفهوم و پایگاه هنر در جامعه آغاز میکنیم :

## تعریف هنر :

هنر در دیدگاه هر یک از آگاهان و دانشمندان ذی ربط، یعنی عرفا، اخلاقیون، فلاسفه، مذهبیین، الهیون، روان شناسان و خلاصه ادبا، و هنرمندان، دارای معانی و مفاهیم و مصادیق مختلفی است، و بر این اساس محتوی و ابعاد و فلسفه و ویژه های خواهد داشت، که در زمینه مناسب مورد ارزیابی قرار میدهم .

از مجموع تعاریف صاحب نظران آنچه را " لئون تولستوی " نویسنده و متفکر روسی، گفته است شاید مناسبترین و نزدیکترین تعریف به واقعیت باشد.

تولستوی چنین می گوید :

" هنر تجلی خارجی احساسات نیرومندی است که، انسان آنرا تجربه و آزمایش کرده است ما و این تجلی ظاهری بوسیله خطها، رنگها، حرکات و اشارات و اصوات صورت می پذیرد " (۱)

وی نیز می افزاید : " هنریک فعالیت انسانی است، و عبارت است از اینکه انسانی آگاهانه و بیاری علائم مشخصی ظاهر می، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به

دیگران انتقال دهد، بطوری که این احساسات بدیگران سرایت کند، و آنان نیز این احساسات را تجربه نمایند، و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرند " (۲)

سپس بدنبال پذیرش و انتخاب این تعریفها در مورد اهمیت و رسالت هنر اضافه میکند :

" هنر وسیله ارتباط انسانهاست برای حیات بشر، و برای سیر بسوی سعادت فرد و جامعه انسانی، و این موضوع لازم و ضروری است ! " (۳)

## هنر برای هنر !

با توجه به تعریفهای یاد شده و همانند های آن، از سوی هنر شناسان و دست اندرکاران، هنر دو گونه برخورد و تلقی دارد، هنر برای هنر، و هنر بعنوان وسیله و عهده دار یک رسالت.

در مورد تفسیر هنر برای هنر، اگر چه این " تز " بظاهر طرفداران نسبتاً زیادی دارد، و بسیاری این شعار را میدهند، و غوغاها بها میکنند ! اما در واقع چنانکه اشارت رفت، عموماً این معنی از مرحله شعار تجاوز نمیکند، و در واقع تعداد طرفداران این " تز " شاید بطور در صد از شمار انگشتان تجاوز نکند، و افراد زیادی در پشت این ماسک، و با ارائه این شعار خواسته و یا خواسته های دیگری را جستجو میکنند، که بیشتر جنبه مادی دارد، و اتفاقاً از سوی همین گروه است که، کبان هنر، به ابتذال و نشیب کشیده شده است !

چنانکه نوشتنند : " هنر را هنرمندان بزرگ تاریخ و هنرمندان عصر ما، منحرف کرده اند و به ابتذال مروزی رسانده اند ! " (۴)

رسالت هنر :

در مورد پیام و رسالت هنر، گر چه منظور ما از این عنوان، مفهوم و ابعاد گسترده فرهنگی و انسانی آنست، اما بهتر است این معنی را در سطح وسیعتری بررسی کنیم، و از پیام و رسالت هنر، برای انسان رنج کشیده امروز سخن بگوئیم که هنر همچون بسیاری از مواهب و پدیده‌های جهان هستی، وسیله و راه است برای رسیدن به هدفهای متعالی و برتر که، انسانها در زندگی خواهان آن هستند، چنانکه تاریخ هنر این معنی را عموماً به اثبات رسانده است.

اما متأسفانه در دنیای امروز، برخی هنر را وسیله کسب شهرت و نردبان صعود بقله مقام قرار داده‌اند، بعضی از این کانال، دستیابی به اهداف سیاسی را در نظر داشته‌اند، برخی از اینراه خواسته‌های فکری و فرهنگی خویش را در یک جامعه و یا جوامع مختلف گسترش داده‌اند. و سرانجام برخی هم بدین وسیله برای دست یافتن به بازار و تجارت و سرمایه و سود، این نیروی فعال و خلاق را بکار گرفته‌اند و آنرا از اوج پویایی و شکوفایی انسانی، به پستی و زبونی کشانده‌اند!

طبیعی است که چنین بهره گیرهای ناروا، بردامن هنرمند لکه تباهی و برجانه‌ها را بر جامعه دردناکی است، که روح عرفانی و ظرافت طبع

و نازک خیالی هنرمند و نیز آرمان‌های بلند و انسانی او را می‌میراند و بهر حال چرخ مهیب سیم و زر، استعداد و شکوفایی او را خورد میکند، و احیاناً به بویکی و بوجوسی سوق میدهد، و اینجا است که قهراً هنرمند، از اوج عظمت به گود ذلت سقوط مینماید!

آری " هنر اکنون در چنین وضعی است در وضعی که بدترین مأموریتها، وزشت‌ترین و ناهنجارترین رسالتها بدست هنر سپرده شده است، در حالیکه رسالت هنر درست بر عکس آنست که امروز میکند!" (۵)

#### فاجعه هنر!

و اینجا است که در برتو چنین تضاد عظیمی که میان روح و آمال هنرمند و بازار تقاضای هنری وجود دارد این هنر برای او و جامعه، فاجعه ایجاد میکند، و لکه تنگی بر چهره انسانی آن جامعه نقش می‌بندد، که حتی جامعه‌های غربی نیز با آنهمه آلودگی مادی و فساد سرمایه‌داری، گاهی چنان ضربه می‌خورد که آثار شوم این تضاد را بارها در جرائد و مطبوعات دیده‌ایم.

" کاراگانوف " نویسنده آمریکائی میگوید: " تجربه هنر امروز نشان میدهد، که تلاش هنرمندان، در جهت مسخ و واقعیات است!" (۶)

آری هنگامیکه هنر، این سلاح ظریف و برنده، از نیام خویش بطور ناشایانه و مجنونانه خارج شد، و در دست سوداگران جاه و مقام و مال و ثروت قرار گرفت، بدنبال آن تباهی‌ها و مفساد دردناکی جوامع بشری را می‌آلاید، و روزگار انسان زدائی فرا میرسد. روشن است با انسان زدائی، در اجتماعات راه همه رشتی‌ها، در مسیر انسان گشوده می‌گردد و کار بدانجا میرسد، که در همان " غرب دیوانه " نویسنده دردمندی! مانند " کاراگانوف " فریاد برمی‌آورد که: " در جریان انسان زدائی، که صفات انسانی از بین میرود، زوال حسن زیبایی و رشد سلیقه‌های خورد و

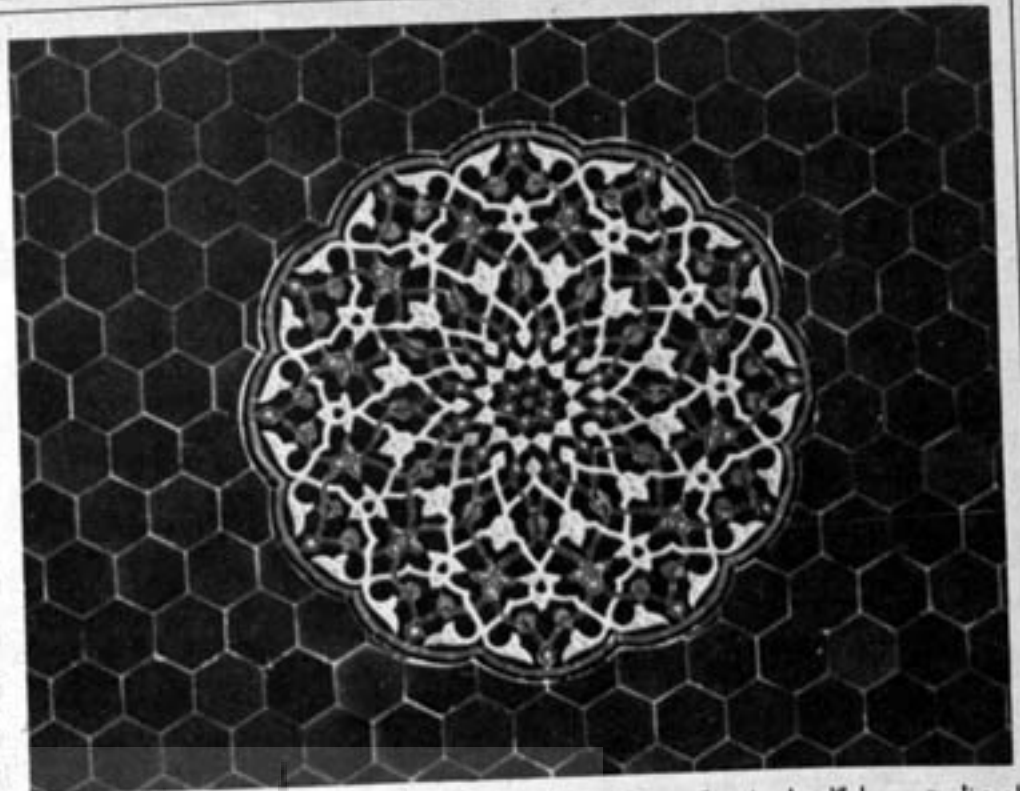
" بورژوازی! " که مترادف با ابتذال است، جای عمده‌ای دارد، و فرهنگ عمومی در دست سوداگران، تنها حربهای بر ضد بشریت نیست بلکه حرب مخوفی است که، با پیشرفت اجتماعی و هنر سر تعارض دارد... و محافل با اصطلاح هنری آمریکا، شیوه مرسوم در هنر " بورژوازی " را با قانون وقیح تجارت در آمیخته‌اند، و این قانون، با این جمله بیان میشود " پول بوندارد، باین معنی که پول را میتوان و بایستی از هر طریقی بچنگ آورد، و نحوه تحصیل آن هیچ اهمیتی ندارد!" (۷)

آری، در این رهگذر است که، در جوامع سرمایه‌داری، نه تنها هنر که شاخه مهمی از فرهنگ جامعه است بلکه کل فرهنگ و صنعت برای رسیدن به منافع تجاری و سلطه جویی و سیاستهای مسموم و ضد انسانی وسیله خطرناکی میگردد، و طبیعی است که قیود معنوی و موازین انسانی، در چنین جوامعی، چه سر نوشت شوم و نکبت باری به دنبال خواهد داشت!

روزنامه کیهان مینویسد " این یکی از خصوصیات جامعه آمریکائی است، که هر چیزی را وارد تجارت یا صنعت میکند، آموزش، فرهنگ و هنر، سیاست، ماری جوانا، مسائل منافی عفت، تخلف، جنایت، جنگ، و حتی فعالیتهای انتخاباتی، در ایالات متحده از این قاعده مستثنی نیستند ۱۰۰۰!" (۸)

بنا بر این، در جوامعی که هنر بعنوان یکی





مسئولین آن جامعه هم برای عرضه و پویایی و تقویت چنین هنری، پیش از دیگران و پیش از دیگران، زمینه رشد و تکاپو را فراهم آورند، و بدین خاطر است که مقام محترم ریاست جمهوری، حجه الاسلام خامنه‌ای تاکید میکنند "باید هنر بعنوان راستین زبان، برای انتقال ایده‌های شریف مورد توجه باشد" و تشویق هنرمندان متعهد جامعه، و نیز پرورش هنرمند، یک اقدام اساسی تلقی گردد" (۹)

شیخ "محمد تقی جعفری" استاد بزرگوار و فیلسوف عالیقدر مینویسد: "تا کنون احساس لزوم آموزش و تربیت انسانی، از نمودهای هنری، برای اکثریت مردم، یک تکلیف و احساس ضروری تلقی نشده است، و این بعهد رهبران و مربیان جامعه است، که با تعلیم و تربیت صحیح، ضوابط یک نمود هنری سازنده، و طرز برداشت و به‌سرمد برداری نمودهای هنری را در مراحل مختلف موقعیتهای گوناگون مردم، از نظر شرایط ذهنی، در مجرای آموزش قرار بدهند" (۱۰)

بنا بر این، باطنی اینگونه مراحل است، که هنر علیل و بیمار دنیای متمدن امروز، و هنر پرورنده فرهنگ فاسد طاغوت در جامعه اسلامی انقلابی ما، میتواند شخصیت خود را باز یابد و به حیات طبیعی خود نزدیک شود، در این جامعه اسلامی، هنرمند با شرافت و وجدان انسانی، خود را و آفرینش هنری خود را، قهرمانانه عرضه میکند، و هنر او وسیله رشد و تکامل جامعه میگردد، چنانکه از این وسیله تا کنون در جهت تخریب استفاده میشده است! و ما از این پس، پیرامون این مقوله، مشروحتر بحث خواهیم کرد...

تا آن حدی که، برای درک خلاقیت هنری و نقش مستقیم و اساسی دارد بیا موزد و بساز شناسد.

۲- ویژگیهای حیات بشر را در مراحل مادی و معنوی، و فلسفه آنرا با توجه به یک بینش سالم و صالح اسلامی اجتماعی تبیین کرد.

۳- سعادت انسانها، که در تعریف هنر، بعنوان هدف هنر بیان گردید، و خواسته ای است که، همه برای آن تلاش میکنند، با همه مفاهیم معنوی و انسانی، مورد مطالعه و شناخت قرار دهد.

۴- برخلاف برداشت غلط و یک بعدی دنیای متمدن روز، که تا کنون از نردبان هنر برای دریافت منافع فردی، حب ذات، حب مقام، و سرانجام برای ارضای شهوتهای فردی و مادی تلاش میکند، هنر را در جهت رشد و مصالح و سعادت فرد و جامعه بکار گیرد.

از عظیمترین پایگاههای فرهنگی در آن مطرح است، تا کنون از هنر تلقی مادی داشته و این برخورد با تعریف "لئون تولستوی" که "هنر را وسیله ارتباط بین انسانها، برای حیات بشر، و برای سیر بسوی سعادت فرد و جامعه انسانی" میدانند، منافات و تناقض چشمگیری دارد، اینجاست که هنرمند با وجدان متعهد بویژه در جامعه انقلابی امروز باید نار و بودهای عنکبوتی تقلید غربی را از جان و فکر خود بگسلد، و هنر را از اسارت و ابتدال مرگباری که با آن دست بگریبان است نجات بخشد، تا این قدرت عظیم و خلاق، راه طبیعی خویش را باز یابد، و در مسیر راستین خویش بجزبان افتد، و به هدف واقعی خود که، عبارت است از، رشد آفرینسی هدایتگری و سازندگی راه یابد، و مزده آور راستین برای بشریت کنونی باشد.

مسئولیت هنرمند:

مسئولیت مسئولین:

برای این منظور، هنرمندی که میخواهد مسئولانعوارد میدان جامعه شود، و هنرمند متعهد بیا فرزند، ضروری است در مراحل زیر خود را تا حد زیادی با سلاح علم و آگاهی مجهز سازد

۱- مفاهیم انسانیت را با همه ابعاد و اسرار، و با همه محتوای پربار و شکوهمند،

با توجه به چنین شناختی است، که هنرمند راه راستین خود را باز می‌یابد، و با تعهد و مسئولیت هماغوش میگردد، و دارای قداست و رسالت میشود، و میتواند در یک جامعه اسلامی دارای شرافت حیاتی شود، و

- (۱-۲-۳) هنر چیست؟ ص ۵۲ و ۵۷
- (۴) هنر برای موعود ص ۹
- (۵) هنر برای موعود ص ۹
- (۶) سینما، سیاست، تجارت ص ۴۱
- (۷) سینما، سیاست، تجارت ص ۴۶ و ۷
- (۸) کیهان ۱۰/۶/۱۳۶۵ شماره ۱۱۴۶۸
- (۹) روزنامه جمهوری صبح پنجشنبه
- (۱۰) نگاهی به فلسفه هنر از دیدگاه اسلام ص ۴